



بایدن اولویت های پروژه سیاست خارجی دولتش را اعلام کرد

# ورود به غرب آسیا از یمن

سخنران و موضع گیری های جو بایدن، رئیس جمهور جدید آمریکا به عنوان سکندار یکی از قدرت های جهانی به شکل طبیعی دارای اهمیت است. اما در حال حاضر هرگونه موضع گیری بایدن از اهمیتی دوچندان برخوردار است. این اهمیت دوچندان به دلیل شخصیت و رفتار بایدن نیست، بلکه به دلیل رفتارهای رئیس جمهوری پیشین آمریکا است که اثرات مخربی در این کشور برجای گذاشته است. گرچه امروزه ترامپ در کاخ سفید نیست اما آمریکا نیز دیگر همان کشور سابق نیست. نزدیک ۵۰۰ هزار کشته در جریان همه گیری کرونا، اشغال کنگره توسط معترضان در روز تایید نتایج انتخابات ریاست جمهوری، گسست ائتلاف های بین المللی این کشور، شکاف های نمایان در فضای داخلی و... مختصات تغییر شرایط نسبت به سال ۲۰۱۷ هستند، زمانی که قدرت تحویل ترامپ شد. بایدن باید خیلی

چیزها را تغییر دهد تا بتواند شرایط را اندکی شبیه وضعیت پیشین کند. جو بایدن پنجشنبه هفته گذشته در ساختمان وزارت خارجه این کشور به تشریح محورهای سیاست خارجی خود پرداخت تا پیامی به کشورهای جهان مبنی بر بازگشت آمریکا به سیاست های دوره اواما مخابره کرده باشد. بررسی گفته های بایدن نشان می دهد او فرمان دستگاه سیاست خارجه را اتقندر تغییر می دهد تا در جاده اواما قرار بگیرد؛ همان جاده ای که بر ائتلاف سازی آمریکا، تمرکز بر شرق آسیا و کاهش اهمیت خاورمیانه استوار بود. بایدن در بخشی از سخنان خود گفت: «طی دو هفته گذشته من برای احیای عادت همکاری و تقویت بازوهای ائتلاف دموکراتیک که طی چهار سال گذشته به دلیل غفلت آسیب دیده بودند با سران بسیاری از دوستان نزدیکمان شامل کانادا، مکزیک، انگلیس، آلمان، فرانسه، ناتو،

ژاپن، کره جنوبی و استرالیا صحبت کردم.» او در جریان این سخنرانی به مواردی مانند چین، روسیه، اروپا و یمن اشاراتی داشت، اما هیچ اشاره خاصی به ایران و با توافق هسته ای برجام و نیز مسائلی مانند جنگ در افغانستان نکرد. رئیس جمهور آمریکا در باره یمن مدعی شد قصد دارد به حمایت از جنگ در یمن پایان دهد، اما از تمامیت ارضی عربستان در مقابل حملات یمن نیز دفاع خواهد کرد. بایدن در اشاره به روسیه اعلام کرد دوران «تسامح آمریکا در برابر سیاست های تجاوزکارانه روسیه» اعم از دخالت در انتخابات آمریکا، حملات سایبری و مسموم کردن شهروندانش به پایان رسیده است. او همچنین از مسکو خواست تا «الکسی ناوالنی»، مخالف غربیگری دولت روسیه را که به تازگی دستگیر شده است آزاد کند. وی همچنین مدعی شد در افزایش دادن هزینه ها علیه روسیه و دفاع از

منافع حیاتی آمریکا تردید نخواهد کرد. رئیس جمهور دموکرات آمریکا از چین نیز به عنوان «جدی ترین رقیب» کشورش نام برد و تاکید کرد در عرصه های مختلف اعم از حقوق بشر، مالکیت معنوی و سیاست های اقتصادی یکن راه چالش خواهد کشید، اما با آن همکاری نیز خواهد داشت. بایدن در بخش دیگری از موضع گیری خود از کودتای ارتش در میانمار انتقاد کرده و خواستار کنار رفتن ارتش از قدرت، کاهش خشونت ها و آزادی زندانیان در این کشور شد. رئیس کاخ سفید همچنین از لغو کاهش نیروهای نظامی آمریکا از آلمان خبر داد. برآیند کلی موضع گیری های بایدن حاکی از بازگشت دوران مداخله گرایی نئولیبرال ها در جهان است. در این گزارش به بررسی مهم ترین بخش از سخنان رئیس جمهور آمریکا پرداخته شده است.

## یمن، آغاز موازی فرآیند سیاسی برای مهار مقاومت

بایدن از لزوم پایان یافتن جنگ در یمن صحبت کرده است. اما آیا عربستان با این موضع گیری لفظی بایدن به دخالت نظامی در یمن پایان خواهد داد؟ عربستان در زمانی که شکلی غیرمنتظره یمن را مورد تهاجم قرار داد و زیرساخت های آن را نابود کرده و زنان و فرزندان را به خاک و خون کشید که دولت دموکرات ها در آمریکا بر سرکار بود. یمن در سایه حمایت های اواما و بایدن از سعودی ها آتقدری تخریب شد که سعودی ها در دوره ترامپ جای سالمی در این کشور برای بمباران نمی یافتند. به همین دلیل دو سال نخست جنگ یمن که منطقی بود بر حکومت دموکرات ها، سال های سرنوشت ساز در تخریب و کشتار و محاصره یمن بود. طرح بایدن برای یمن دارای سه مرحله است:

### تلاش برای زودن اتهامات حقوق بشری از آمریکا

حالا که بایدن صحبتی علنی در رابطه با اعلام پایان حمایت از جنگ یمن کرده است در رسانه ها صحبت از اقداماتی است که دموکرات ها قرار است برای پایان جنگ انجام دهند و احتمالا با شاهزادگان سعودی تاحدی سرشاخ خواهند شد. زمانی را در نظر بگیرید که با وجود سخنان بایدن درباره ضرورت پایان جنگ یمن، این جنگ با اصرار عربستان همچنان ادامه یابد. در این شرایط همه خواهند گفت بایدن و آمریکا به شدت مخالف جنگ یمن هستند اما سعودی ها بدون توجه به خواست های آمریکا در حال ادامه دادن این جنگ هستند. کاخ سفید احتمالا برای ظاهر سازی یک میلیارد دلار از قرارداد های ۴۰۰ میلیارد دلاری با عربستان را مورد بازبینی قرار خواهد داد و تمام رسانه های دنیا از بزرگ و کوچک آن را پوشش خواهند داد تا در مناطق دوردست دنیا نیز مردم این خبر را بشنوند. پس از آنکه مردم این خبر

را شنیدند و یکی، دوبار نیز حملات لفظی دموکرات ها علیه جنگ در یمن را خواندند خیال شان راحت خواهد شد که آمریکا مخالف کشتار مردم است و این سعودی ها هستند که اصرار بر جنگ دارند. در این شرایط دولت سعودی که آبروی چندانی در جهان ندارد به تنهایی تمامی اتهامات حقوق بشری جنگ در یمن را به دوش خواهد کشید. مساله ای که برای دولت پادشاهی مطلقه سعودی چندان هم فرسایشی نیست. اساسا دولتی که در قرن بیست و یکم پادشاهی مطلقه است، ارزش زیادی برای روندهای دموکراتیک و افکار عمومی قائل نیست، درست همان گونه که افکار عمومی جهانی نیز اساسا کوچک ترین اعتباری برای سعودی ها قائل نیستند.

### آغاز فرآیند سیاسی برای جلوگیری از پیشروی های میدانی دولت صنعا

پس از آنکه آمریکا خود را از اتهامات حقوق بشری در افکار عمومی مبرا کرد، تلاش هایش برای تاثیر گذاری بر روند سیاسی بحران یمن را برای تحت فشار قراردادن دولت قانونی این کشور مستقر در صنعا آغاز خواهد کرد. در این مرحله آمریکا که خود یک طرف از درگیری های یمن است نقشی به عنوان یک میانجی برای خود خواهد ساخت. این میانجیگری و شروع فرآیند سیاسی در یمن باعث خواهد شد پیشروی های نیروهای مقاومت در این کشور متوقف شود. این نیروها در حال پاکسازی استان مارب به عنوان پایگاه اصلی دولت مستعفی منصور هادی هستند که وابسته به عربستان سعودی است. فشار مقاومت یمن به دولت منصور هادی و فرار تعداد زیادی از آنان از مارب به عدن و استان های جنوبی نیز باعث بروز درگیری میان آنها با شورای انتقالی جنوب وابسته به امارات شده است و ائتلاف غربی عربی را با دشواری بزرگی مواجه کرده است. آغاز فرآیند سیاسی در یمن از سوی آمریکا با این امید کلید خواهد خورد که دولت قانونی یمن مستقر در صنعا را با فشارهای سیاسی و بین المللی در تنگنا قرار داده و این دولت را از پیگیری سیاست پاکسازی استان مارب منصرف سازد. در شرایطی که آمریکا با ظاهر سازی صحبت از توقف جنگ کرده است و یک میلیارد دلار از ۴۰۰ میلیارد دلار فروش سلاح خود به سعودی را مورد بازبینی و حتی لغو قرار داده است، وجهه واشنگتن ترمیم شده و کاخ سفید را قادر خواهد ساخت به

دولت صنعا فشارهای سیاسی و بین المللی وارد کند. این در حالی خواهد بود که سعودی ها نیز به نمایندگی از جبهه غرب به بمباران های خود ادامه خواهند داد.

### تلاش برای اقلیم سازی و محاصره جغرافیایی شیعیان زیدی

آمریکا قصد دارد پس از موفقیت در تحمیل شرایط خود بر فرآیند سیاسی یمن که شامل توقف پیشروی دولت صنعا می شود با برگزاری اجلاس های سیاسی و مذاکرات بین المللی قدرت را در یمن به شکلی تقسیم کند که نیروهای مقاومت این کشور در تنگنای جغرافیایی قرار بگیرند. طرح تقسیم یمن به ۶ اقلیم از جمله این طرح هاست که نیروهای مقاومت یمن که بیشتر در مناطق زیدی نشین یمن نفوذ دارند در محدوده ای در شمال یمن قرار خواهند گرفت که به دریا دسترسی ندارد. گرچه این طرح نیز مطلوب آمریکا و عربستان سعودی نیست اما در شرایطی که ۶ سال جنگ در یمن راه به جایی نبرده است، چاره محور غربی-عربی چیست؟ این محور چاره ای جز قبول برخی واقعیت ها ندارد اما خواهد کوشید قدرت مردمی شکل گرفته در یمن را مهار کند. در فرآیند سیاسی یمن برای آنکه از لحاظ ادراکی نیز جنبش مقاومت یمن به شکل یک جنبش مردمی ادراک نشود سعی خواهد شد تا درگیری فعلی از شکل درگیری میان یمن و محور غربی-عربی به شکل یک درگیری قومی، مذهبی و داخلی در یمن در بیاید. براساس طرح های پیشین درباره تشکیل ۶ اقلیم در یمن، اقلیمی که در دوستان شیعیان زیدی قرار می گرفت ضمن آنکه به دریا دسترسی نداشت و توسط اقلیم های اطراف محاصره بود از نظر جغرافیایی نیز به شکل یک نوار باریک از شمال یمن تا مرکز این کشور کشیده شده بود که از نظر نظامی نیز دارای اشکالات متعددی بود. بر این اساس اقلیم تحت کنترل شیعیان زیدی در صورت وقوع درگیری از چندین سمت مورد حمله قرار می گرفت و به دلیل شکل نواری خود فاقد عمق استراتژیک بود. این اقلیم بندی همچنین باعث ایجاد شکاف های گسترده داخلی میان مناطق مختلف یمن شده و به اختلافات مذهبی، قبیله ای و سیاسی دامن خواهد زد.

## تاکید بر چرخش استراتژیک، به سمت شرق آسیا

اغلب جنگ های بزرگ آمریکا در آسیا رخ داده اند. از این میان در مناطق مختلف قاره کهن نیز این منطقه شرق آسیا بوده است که شاهد سنگین ترین، شدیدترین، طولانی ترین و پرتعدادترین جنگ های واشنگتن بوده است. جنگ با امپراتوری قدرتمند ژاپن در جنگ جهانی دوم طی سال های ۱۹۴۵-۱۹۴۱ آغاز و رود آمریکا به آسیا بود. جنگ کره طی سال های ۱۹۵۳-۱۹۵۰ که در آن آمریکا با چین نیز درگیر شده و یک میلیون سرباز چینی نیز در آن کشته شدند و واشنگتن با جنگنده های جت میگ-۱۵ شوروی که در دستن خلبان کره ای بودند نیز دومین درگیری بزرگ آمریکا در آسیا بود. سومین جنگ نیز که لقب طولانی ترین جنگ قرن بیست و یکم را بدست می کشد به جنگ ویتنام مربوط است که از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ به طول انجامید. هیچ منطقه ای از جهان به اندازه شرق آسیا شاهد مداخله نظامی آمریکا نبوده است. نوع دخالت آمریکا در این منطقه از لحاظ شدت و فراگیری اش نیز یاد دیگر درگیری های آمریکا قابل مقایسه نیست. حضور آمریکا در اروپا طی جنگ جهانی اول بسیار کوتاه بود و این کشور در سال ۱۹۱۷ وارد جنگ اروپا شده و در سال بعد جنگ پایان یافت. در اروپا نیز در سال ۱۹۴۲ وارد درگیری های اروپا شد که از لحاظ شدت قابل مقایسه با درگیری های آمریکا و ژاپن در اقیانوس آرام و مناطق پیرامونی اطراف ژاپن نبودند. آمریکا از مدتی ها پیش اساسا خود را قدرتی آسیایی تلقی می کرده است و در عصر حاضر نیز می خواهد روی آن تاکید کند. آمریکا در دوره اواما با در پیش گرفتن سیاست خروج و کاهش تنش ها در خاورمیانه به دنبال تمرکز بیشتر در شرق آسیا بود. این مساله به معنای عدم اهمیت خاورمیانه از دید واشنگتن نبود بلکه درگیری بیش از حد آمریکا در منطقه می توانست باعث گریز چین از مرزهای مهار شود. عدم مداخله فراگیر در لیبی و سوریه و همچنین رفتن به سمت انعقاد توافق هسته ای در میان مدت از جمله سیاست های اواما به منظور آرام سازی منطقه غرب آسیا برای گذار واشنگتن به شرق این قاره بود. باراک اواما در سال ۲۰۱۱ طی سخنانی در استرالیا از سیاست «چرخش استراتژیک» آمریکا خبر داد و گفت: «آمریکان نقش بلندمدتی در شکل دادن به این منطقه و آینده آن ایفا خواهد کرد. ما منابع و بودجه لازم برای حضور نظامی قوی خود

## بی محلی به برجام

بایدن در جریان سخنرانی خود اقدر موضوعات مهم داشت که یادی از برجام نکرد. به نظر می رسد آمریکا برجام را در مقابل پرونده های چین، روسیه و اروپا در اولویت قرار نداده است. آمریکا با قدرت گیری چین و آنچه «دخالت های روسیه در انتخابات آمریکا» نامید، درگیر است. مسکو جزو این مساله در حملات سایبری گسترده به زیرساخت های حیاتی واشنگتن نیز نقش داشته است. جنگ های تجاری ترامپ علیه اروپا اثرات عمیقی بر دیدگاه اروپا نسبت به آمریکا برجای گذاشته است که برای ادامه توافق سیاسی آمریکا در نظام بین الملل بازایی آن ضرورت دارد. مهار چین، مقابله با روسیه و باز یابی دوستی مجدد با اروپا سه اولویت اصلی بایدن در سیاست خارجی هستند که برجام پیشی گرفته اند. هرگونه درگیری آمریکا به هر نحوی در خاورمیانه می تواند باعث ناتوانی واشنگتن در پیگیری اولویت هایش شود. صحبت از برجام و کاهش تحریم ها علیه ایران در داخل آمریکا باعث خیرش مجدد جمهوری خواهان علیه دموکرات ها می شود و آنها این مساله را به دستاویزی برای حملات شدید به دولت بایدن تبدیل خواهند کرد، در سوی دیگر بلافاصله لابی های صهیونیستی و عربی هم دست به کار شده اند و رو به حمایت رسانه ای و مالی از مخالفان بایدن خواهند آورد. مسائلی که می تواند کار کاخ سفید را در داخل آمریکا با دشواری های بسیاری روبه رو کند، به ویژه آنکه این کشور به دلیل موضوعاتی مانند انتخابات، اشغال کنگره و ترامپ بیسم با شکاف های عدیده ای روبه رو است. در سوی دیگر احتمال دارد طرف های منطقه ای

در این منطقه اختصاص خواهیم داد. ما توانایی بی نظیر خود را در جهت انتقال قدرت و بازداری از تهدیدات به صلح حفظ خواهیم کرد. ما قدرت پاسیفیک هستیم و در اینجا خواهیم ماند». پیش از اعلام این طرح توسط اواما صاحب نظران آمریکایی نیز به این نتیجه رسیده بودند که زمان تمرکز بر شرق آسیاست. هنری کیسینجر در سال های ابتدایی ریاست جمهوری اواما گفته بود قدرت در حال انتقال از حوزه پاسیفیک است. مساله اهمیت شرق آسیا و ضرورت مهار چین در این سال ها به مساله ای فراخیزی و فرایگر در آمریکا تبدیل شد، به گونه ای که سیاستمداران و تحلیلگران این کشور سوالی درباره اینکه آیا چین ابرقدرت آینده است نداشتند بلکه تنها این سوال پرسیده می شد که «چه زمانی این اتفاق رخ می دهد؟» در میان این افراد یک دوره ای وجود دارد؛ برخی در آمریکا معتقدند باید در مقابل چین «سد نفوذ» ایجاد کرد. همان اقدامی که دولت ترامپ در صدد انجام آن بود اما برخی دیگر که نظرشان به دموکرات ها نزدیک است می گویند چین رانتهای می توان زیر چتر «تعامل» نگه داشت. بر همین اساس بایدن علی رغم خط و نشان کشیدن برای چین و یاد کردن از این کشور به عنوان «جدی ترین رقیب» در سخنرانی اخیر خود اعلام کرده است خواهان همکاری با این کشور است. انتصاب «کورت کمپبل» (Kurt Campbell) دیپلمات کهنه کار آمریکایی به عنوان نماینده دولت آمریکا در حوزه آسیا پاسیفیک به زعم برخی حکایت از «آسیا محور» بودن سیاست خارجی دولت بایدن دارد. نشریه پولیتیکو هفته گذشته مدعی شد براساس ساختار جدید سیاست خارجی آمریکا حوزه کورت کمپبل، هماهنگ کننده آسیا-پاسیفیک، در حال افزایش است و در مقابل حوزه بزرگ مک گروک، هماهنگ کننده خاورمیانه، در حال کوچک تر شدن است. فایننشال تایمز پیش از روی کار آمدن بایدن گزارش داده بود دولت او قصد دارد بخش جدیدی تحت عنوان «تزار آسیا» را در کاخ سفید ایجاد کند. موضوعی که به خوبی جایگاه آسیا برای دولت بایدن نشان می دهد. در حال حاضر نیز بایدن سیاست اصلی خود را تمرکز بر شرق آسیا اعلام کرده و اساسا ساختن از برجام به لب نیاورده است. هرگونه صحبت مثبت یا منفی درباره برجام از نظر بایدن به نفع آمریکا نیست زیرا باعث تغییر اولویت های واشنگتن به ضرر منافع این کشور می شود. از نظر تیم جدید دولت آمریکا حتی تمرکز بیش از حد و سخن گفتن زیاد از برجام نیز باعث اتلاف وقت واشنگتن برای جمع آوری و تمرکز قوایش در شرق آسیا می شود. چین تا پیش از بحران کرونا نیز غیرقابل مهار بود و حالا به خاطر بحران کرونا توانسته از غرب تا اندازه زیادی جلو بزند. در حالی که غرب در حال دست و پا زدن در میان اجساد صدها هزار کشته کرونا بی است در شهرهای چین مردم بدون زدن حتی ماسک در حال فعالیت هستند. برجام و افزایش توان ایران و دیگر موضوعات برای آمریکا اهمیت بالایی دارند. اما تمام آنها قابل مدیریت تر از پرونده چین هستند.

مانند سعودی ها و رژیم صهیونیستی و امارات برای جلوگیری از بازگشت آمریکا به برجام دست به تحرکاتی بزنند که باعث اشتغال بیشتر آمریکا در مسائل خاورمیانه ای شود. این اقدامات می تواند شامل حملات ساختگی علیه تائیسسات آمریکایی به نام ایران باشند حتی پیگیری سیاست ترور علیه دانشمندان هسته ای ایران. از نظر بایدن باید مساله مذاکره با ایران از چندین جهت به صورت همزمان مدیریت شود. از یک سو تنش ها در اطراف ایران باقی بمانند تا محیط پیرامونی ایران همچنان بی ثبات باشد و از سوی دیگر میزان این تنش ها تا جایی زیانه نکشد که پای آمریکا به درگیری های منطقه ای کشیده شود. در حوزه تحریم ها بایدن نمی خواهد و نه توانایی برداشتن آنها را دارد؛ برداشتن تحریم ها یعنی درگیری های سیاسی داخلی در آمریکا و واکنش متحدان منطقه ای؛ چیزی که به نظر می رسد بایدن توانایی برخورد با آن را حداقل در شرایط فعلی ندارد. بایدن تحریم های جدیدی علیه ایران تصویب نخواهد کرد، اما تحریمی را نیز برنخواهد داشت، بلکه با اروپایی ها جلسات متعددی درباره بازگشت به میز دیپلماسی انجام خواهد داد تا ضمن بازسازی چهره خود به نقطه نظرات مشترکی با اروپا برآید فشار علیه ایران برسد. اگر ایران بپذیرد که در مقابل «توقف اعمال تحریم های جدید توسط آمریکا فعالیت های هسته ای اش را در میزان فعلی نگه دارد، دولت بایدن در کوتاه مدت به موفقیت بزرگی خواهد رسید. بایدن تحریم های به جامانده از دوران فشار حداکثری را حفظ می کند و ایران نیز در سطح فعلی به غنی سازی می پردازد، سطحی که خطری برای غرب به شمار نمی رود، اما همزمان ایران زیرتبع تحریم های مهلک قرار خواهد داشت. فریز پرونده هسته ای در شرایط فعلی تنها توان را علیه ایران برقرار می کند، زیرا در برابر نقض حداکثری آمریکا ایران تعدیل حداقلی در توافقنامه هسته ای انجام داده است.